

مشکلات آینده

محیط زیست تهران



یوسف حجت / فوق دکترای پژوهشی مهندسی مکانیک مرکز تحقیقات میتسوئوبو ژاپن / عضو کمیسیون محیط زیست شورای شهر تهران yhojjat@modares.ac.ir

جاگاه محیط زیست در برنامه های توسعه تهران

به طور معمول در برنامه های توسعه به مقوله محیط زیست در حد قابل قبول پرداخته شده است. حتی در طرح جامع جدید تهران نیز نکات ارزشمندی در حوزه محیط زیست تهران لحاظ شده است، اما مشکل همیشه در اجراست. به گونه ای که موارد مطرح شده در طرح ها و برنامه ها به اجرا در نمی آید. به عنوان مثال در طرح های جامع معمولاً سقف جمعیتی برای شهر در نظر گرفته می شود اما هنگامی که مجوز برج سازی فراتر از طرح داده می شود، یا وقتی تراکم فروشی صورت می گیرد و به طور کلی اقداماتی که جاذب جمعیت است انجام می شود گویای این حقیقت است که به برنامه ها بی توجه هستیم.

بارگذاری بیش از ظرفیت محیط

نکته قابل توجه در بحث محیط زیست، ظرفیت پذیرش محیط است. مهم ترین مسئله این است که آیا ۱/۲ درصد مساحت کشور (استان تهران) ظرفیت پذیرش ۲۰ درصد جمعیت کل کشور را دارد؟ در حالی که اکنون ۳۵ درصد صنعت کشور و ۸۵ درصد امور بیمه ای و بانکی در شهر تهران مستقر است، آیا این تمرکز مطابق ظرفیت این بخش از سرزمین ایران است یا نه؟ مشکل اساسی شهر تهران در عدم توزیع مناسب فعالیت و جمعیت است. وقتی کلیه فعالیت ها در تهران متمرکز می شود هم به تهران ظلم شده است که بیش از ظرفیت محیط بارگذاری کرده ایم و هم به سایر شهرهای ایران که از صنعت و فعالیت هایی محروم مانده که می توانسته در آنجا صورت پذیرد. در کشورهای توسعه یافته ابر شهر نداریم بلکه تمام شهرهای یک سرزمین به یک میزان توسعه یافته اند.

اقدام به ساخت شهرک های صنعتی در حومه تهران، جاذب جمعیت است. در حالی که از سال ۱۳۴۶ احداث صنایع در فاصله ۱۲۰ کیلومتری تهران ممنوع است، باز هم شاهد شکل گیری صنایع متعدد در پیرامون تهران هستیم. صنایع به کارگر ساده نیازمند است که عمدتاً از شهرستان می آید و به دنبال آن خانواده خود را می آورد و بدین ترتیب شاهد مهاجرت به تهران هستیم. کلیه صنایع جدید و شهرک های وابسته به آن می توانست در سایر شهرهای ایران مستقر شده که هم زمینه توسعه آنها را فراهم شود و هم از نابسامانی تهران جلوگیری نماید.

سپهیم بودن مجریان قانون در منافع تخلفات

یکی از علل نابسامانی های موجود، نبود رابطه بین اسناد بالادستی و اسناد اجرایی است. با اینکه تصمیمات تأثیرگذاری در اسناد راهبردی شهر اتخاذ شده اما این موارد در روند اجرا دگرگون می شود. یعنی

اجراکننده اسناد عملیاتی، هیچ ارتباطی با اسناد بالادستی خود ندارد. مسئله دوم این است که متأسفانه مجریان قانون در کشور ما، نسبت به تخلف، بی اعتنا هستند. یعنی شهرداری اقداماتی انجام می دهد که مطابق با طرح جامع نیست و باعث بی اعتنایی به طرح جامع می شود. در نتیجه این گونه اقدامات است که شاهد ساخت و ساز با مجوزا در حریم های غیر قانونی هستیم؛ ساختارهای اجرایی ما به گونه ای است که تخلف از برنامه ها و طرح ها به امری عادی بدل شده است.

هزینه واقعی زندگی در تهران

کسی که در تهران زندگی می کند باید هزینه زندگی در تهران را بپردازد؛ همان گونه که اگر مادر یک برج مناطق شمالی تهران زندگی کنیم هزینه شارژ ساختمان را می پردازیم، برای زندگی در این شهر نیز باید عوارض واقعی آن را بپردازیم. تاکنون عوارض ناچیزی دریافت می شد که هزینه واقعی سکونت در تهران نیست. امسال اقدامات خوبی صورت گرفته و عوارض نوسازی که در سال جاری دریافت شد، بسیار به جا و مهم بود؛ عوارض باید به قدری افزایش یابد که شهر را بتوان با پول مردم ساخت. مسئولین برای آینده مردم باید از خود شهامت نشان دهند و تصمیماتی اتخاذ کنند که ساختارهای کنونی را به سمت استقلال مالی شهرداری ها از دولت سوق دهد.

انتقال پایتخت و مدیریت آینده نگر

به نظر بنده انتقال پایتخت مشکلی را حل نمی کند. تهران همچنان رشد خواهد کرد چنان که استانبول همچنان رشد می کند. لازم است که مشکل

را در مدیریت صحیح تهران جستجو کرد. مدیران ما نباید منافع کوتاه مدت شهروندان را به منافع بلندمدت آنها ترجیح دهند. عوام فریبی و وعده های نادرست که ظاهر زیبایی دارد به آینده تهران لطمه های جبران ناپذیری وارد خواهد کرد. متأسفانه امروز برای رضایت مردم، منافع کوتاه مدت را مورد توجه قرار داده اند. یک مدیر

قوی تصمیم گیری می کند، در حالی که تصمیم بر مدیر ضعیف تحمیل می شود. این نکته مهم را فراموش نکنید که مدیران معمولی طبق نظر مردم عمل می کنند، اما مدیران موفق نظرات مردم را اصلاح می کنند.

نکته قابل توجه در بحث محیط زیست، ظرفیت پذیرش محیط است. مهم ترین مسئله این است که آیا ۱/۲ درصد مساحت کشور (استان تهران) ظرفیت پذیرش ۲۰ درصد جمعیت کل کشور را دارد؟ در حالی که اکنون ۳۵ درصد صنعت کشور و ۸۵ درصد امور بیمه ای و بانکی در شهر تهران مستقر است، آیا این تمرکز مطابق ظرفیت این بخش از سرزمین ایران است یا نه؟